

به کمپین آزادی محمود صالحی پیوندید!

بهرام رحمانی

کمپین آزادی محمود صالحی، این فعال سرشناس جنبش کارگری، سخنگوی «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل مستقل کارگری»، دبیر سابق اتحادیه خبازان در شهر سقز و برای آزادی برگزار هر چه گسترده تر مراسم غیردولتی اول ماه مه در ایران، هر روز گسترده تر می شود. شما هم از هر طریق ممکن به این کمپین پیوندید!

روز دوشنبه بیستم فروردین 1386 برابر با نهم آوریل 1386، نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران، محمود صالحی را در شهر سقز دستگیر و به زندان شهر سنندج انتقال می دهند.

محمود صالحی، از زندان سنندج، در نامه ای به آقای گای رایدر، دستگیری خود را چنین تشریح داده است: امروز 2007/04/12 امکان یافتن تا از زندان سنندج با یکی از رفقایم تماس تلفنی بگیرم. طی این تماس از وی خواستم تا از طریق این نامه چگونگی ربودن مرا به اطلاع شما برساند.

روز دوشنبه 9 آوریل در محل کارم، یعنی شرکت تعاونی مصرف کارگران سقز، مشغول انجام وظایفم بودم که یکی از فرماندهان حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی سقز در ساعت 12 و 30 دقیقه به وقت ایران وارد شد و گفت که آقایان فرماندار و دادستان می خواهند تا در مورد مراسم اول ماه مه سقز با من مذاکره کنند، از آن جا که این شخص بارها شخصا به محل کارم آمده و مرا برای مذاکره با کاربدستان دعوت کرده بود دچار هیچ شکی نشدم و همراه وی رفتم. وقتی به آن جا رسیدم متوجه شدم که نه دیدار با فرماندار و دادستان مطرح است و نه مسئله مراسم اول ماه امسال. در آن جا یکی از کار بدستان قضائی حکم دادگاه تجدید نظر را به من شفاها اعلام کردند که طی آن به یک سال حکم تعزیری در زندان و سه سال حکم تعلیقی محکوم شده‌ام. من به شیوه فریبکارانه دستگیری خود اعتراض کردم و آن را مخالف شان انسانی دانسته و از امضا کردن آن خوداری کردم. من هم گفتم که این حکم باید به دست وکلایم برسد یا از طریق مامور ابلاغ به در خانه ام آورده شود بعد از تفتیش بدنی من را به سرعت از دادگاه بیرون آورده و سوار ماشین کردند و با سرعت سراسام آوری ربودند. بعد از چند ساعت متوجه شدم که به زندان مرکزی سنندج برده می شوم. آن ها به این ترتیب اجازه ندادند تا من با همسر عزیز و بچه‌های نازنینم خدا حافظی کنم و حتی اجازه ندادند داروهایم را بردارم. بدون شک خبر دارید که یکی از کلیه های من از کار افتاده و کلیه دیگرم در حال از کار افتادن است و بدون آن داروها و مداوای مداوم جانم در خطر خواهد بود. این در عرف انسانی چه معنائی دارد؟ آن ها من را صرفا به خاطر تلاش برای برگزاری روز جهانی کارگر خود و هم طبقه‌ئی هایم محکوم کرده‌اند و در عین حال جرات نمی کنند من را به صورتی معمولی احضار کنند. آن ها مرا می ربایند تا از خشم کارگران و مردم آزاده و از اعتراض در امان بمانند.

در واقع دستگیری من سه هفته قبل از اول ماه 2007 یک اقدام سیاسی است و نه قضائی. آن ها مرا در این شرایط معین دستگیر کرده اند تا برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه امسال دچار مشکل شود و تلاش کارگران ایران برای ایجاد تشکل های مستقل از دولت دچار سستی گردد. اما آن ها از این نکته غافلند که من متعلق به یک جنبش اجتماعی - کارگری هستم. آن ها غافلند که من و سایر فعالین کارگری و مردم مبارز به شیوه جمعی کار می کنیم. این جنبش با این شیوه کار همیشه این امکان را دارد تا جای خالی افرادش را پر کند. حتی این احتمال وجود دارد که فعالین جنبش کارگری در چنین شرایطی بر میزان فعالیت خود به لحاظ کمی و کیفی بیفزایند و مراسم مستقل روز جهانی کارگر را با شکوه تر از قبل برگزار کنند. این امکان وجود دارد که تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری مضاعف شود.

ضروری دانستم این نامه را برای شما بفرستم و شخصا شما را در جریان وقایع بگذارم. از روزی که در اول ماه 2004 من و همکارانم را دستگیر کردند تا امروز در داخل و خارج تلاش ها، اعتراضات و مبارزات زیادی صورت گرفته است تا قوه قضائی ایران عقب نشانده شود. آن ها در ابتدا ما را منتسب به سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) کردند و به خطر انداختن "امنیت ملی" را در پرونده ما وارد کردند. مبارزه وسیع نهادها و تشکل های کارگری در ایران و جهان کاربدستان قوه قضائی را واداشت از این گونه پرونده سازی ها دست بردارند. به عبارت دیگر مبارزه گسترده داخل و خارج پرونده سازان را کیلومترها به عقب نشاند. اما این مبارزه لازم است تا تبرئه کامل ما و تحمیل حق برگزاری مراسم مستقل روز جهانی کارگر در سراسر ایران ادامه یابد. من شکی ندارم که شما همچنان نقش شایسته و قابل ستایش خود در این مرحله را نیز ادامه خواهید داد. ارادتمند محمود صالحی. رونوشت: آنا بیوندی، جانکس کوچکیویچ»

لازم به یادآوری است که آقایان محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، اسماعیل خودکام، برهان دیوارگر، محمد عبیدی پور و هادی تنومند، در روز اول ماه مه 1383 - 2004 دستگیر و پس از تحمل 12 روز زندان و شکنجه آزاد شدند. اما دادگاه شهر سقز در این سال ها، آنان را به عناوین مختلف به بی دادگاه های تفتیش عقاید خود کشانده است.

همچنین به یاد داریم که برای آزادی این فعالین جنبش کارگری و به طور کلی دفاع از مبارزات کارگران ایران، در داخل و خارج کشور، کمپین وسیعی راه افتاد که نه تنها جنبش کارگری ایران را در جامعه ایران بیش از پیش مطرح کرد، بلکه در سطح جهانی نیز با شناساندن جنبش کارگری ایران، همبستگی وسیعی را با این جنبش به وجود آورد. بعلاوه مهم تر از همه این هفت فعال جنبش کارگری، نه تنها مرعوب سیاست های ضد کارگری حکومت اسلامی نشدند، بلکه دست اندرکار سازمان دهی تشکلهای مستقل ضدسرمایه‌داری کارگری هستند و تاکنون در ده ها اعتراض و اعتصاب، سخنرانی، مصاحبه رادیویی، جلسات پاکتاکسی و سمینارها شرکت کرده اند و مقالات و تحلیل‌های کارگری نوشته‌اند تا از دید خود معضلات و مشکلات کارگران را مورد تحزیه و تحلیل و بررسی قرار دادند و راه برون رفت از این وضعیت را نیز در پیش پای جنبش کارگری کمونیستی گذاشتند. افق و چشم‌انداز این رفقا، برپایی تشکل مستقل ضدسرمایه‌داری طبقه، برگزاری آزادانه و غیردولتی مراسم اول مه، با اتکا به نیروی مستقیم خود توده کارگران است. چرا که کارگران نیک می دانند همه مصایب و معضلات هم طبقه ای های آن ها و به طور کلی جامعه ایران، ناشی از عملکرد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سیستم سرمایه و حکومت حامی سرمایه است. بنابراین، امروز بدون مبارزه پیگیر علیه سرمایه‌داری و با اتکاء به سوسیالیسم پرولتری نمی‌توان حتی مطالبات صنفی و رفاهی کارگران را به سرمایه داران تحمیل کرد.

در چنین شرایطی، دستگیری مجدد محمود صالحی، صدور حکم محسن حکیمی، برهان دیوارگر و جلال حسینی، آن هم در آستانه برگزاری مراسم اول ماه مه، نشان دهنده این واقعیت است که حکومت جمهوری اسلامی ایران، هراسناک از فعالیت فعالین و پیشروان جنبش کارگری برای برگزاری هر چه گسترده تر مراسم اول ماه مه است. از این رو، در تلاش است تا با ایجاد فضای رعب و وحشت مانع برگزاری مراسم اول ماه مه امسال در ایران شود. بنابراین، مبارزه برای آزادی محمود صالحی و برگزاری هر چه گسترده تر و با شکوه تر مراسم اول ماه مه در ایران، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بدین ترتیب، احکام غیرانسانی دادگاه سقز بر علیه دستگیرشدگان اول ماه مه 1383، نه تنها برای خاموش کردن صدای حق طلبی و اعتراضی این فعالان شناخته شده جنبش کارگری ایران است، بلکه برای مرعوب کردن کل جنبش کارگری ایران و به ویژه حرکت های رادیکال کارگران است که برای گرفتن حق و حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود علیه سیستم سرمایه‌داری و حکومت حامی سرمایه به مبارزه همه جانبه ای برخاسته‌اند. بنابراین، دادگاه تفتیش عقاید جمهوری اسلامی، این هفت فعال کارگری را تنها به «جرم» برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه محکوم کرده است. از این رو، تلاش برای لغو بی فید و شرط این احکام، وظیفه سیاسی، اجتماعی و انسانی همه سازمان ها، احزاب کارگری سوسیالیستی و همه انسان های آزادی‌خواه و انسان دوست است. تشکلیابی مستقل کارگران، تجمع و اعتصاب، آزادی بیان و آزادی برگزاری اول ماه مه، حق طبیعی و مسلم کارگران و مردم محروم و ستم دیده ایران است.

می‌دانیم که دور کردن فعالین عملی و رهبران جنبش کارگری از توده کارگران، لطمات زیادی به جنبش کارگری وارد می‌سازد و روحیه عمومی کارگران را تضعیف می‌کند. حداقل برای يك دوره دیگر تشکل یابی مستقل کارگران، به ویژه گرایش رادیکال و ضدسرمایه‌داری را به تعویق می‌اندازد. از این رو، آزادی محمود صالحی، لغو احکام صادره علیه فعالین جنبش کارگری ایران، تاثیر به سزایی در مبارزه و تشکل یابی کارگران دارد.

مسلم است که قبل از هر کس ما کارگران و کمونیست‌ها به وجود چنین فعالان کارگری به خود می‌بالیم. همچنین وظیفه انسانی، اجتماعی و سیاسی خود می‌دانیم که از همه امکانات موجود و در دسترس مان برای افشای هر چه بیش تر سیاست های ضدکارگری جمهوری اسلامی، و لغو احکام صادره علیه فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی برابری طلب استفاده کنیم.

در چنین شرایطی، نهادهای دمکراتیک، روشنفکران مترقی، تشکل های کارگری و احزاب سیاسی چپ و سوسیالیست ایران و جهان برای آزادی محمود صالحی و لغو احکام صادره بر علیه فعالین جنبش کارگری ایران تلاش می‌کنند، باید به نوعی مبارزات داخل و خارج کشور را بدون کم ترین تنگ نظری و سکتاریسم تقویت و هماهنگ کرد.

نخستین حرکت برای تشکیل کمیته دفاع از دستگیرشدگان سقز را همسران دستگیرشدگان آغاز کرده بودند. خانم‌ها عایشه جهانپور، همسر جلال حسینی؛ نجیبه صالح‌زاده، همسر محمود صالحی؛ لطیفه قیطاسی، همسر محمد عبدی‌پور؛ منیژه گازرانی، همسر محسن حکیمی، با انتشار اطلاعیه مشترکی در تاریخ 84/9/2، کمیته‌ای به نام «کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه»، از کارگران، مردم شریف و آزاده درخواست کرده بودند که به این کمیته بپیوندند. آن‌ها در اطلاعیه خود، از جمله نوشته‌اند: «همسران ما انسان های شریف و زحمت کشی هستند که جز دفاع از حقوق حقه خود و سایر کارگران هیچ قصد دیگری نداشته اند، و همواره خواستار يك زندگی آزاد و انسانی و فارغ از فقر، بی کاری، بی حقوقی و بهره کشی بوده‌اند. ما به تلاش آن ها افتخار می‌کنیم، از زندگی با چنین انسان هایی به خود می‌بالیم و احکام محکومیت آنان را عین بی عدالتی می‌دانیم. ما باصدای بلند به احکام ناعادلانه اعتراض می‌کنیم و از همه

کارگران، سازمان ها، نهادها و تشکل های کارگری، و از همه آزادی خواهان و حق طلبان می خواهیم که با ما و فرزندانمان هم صدا شوند و به این احکام ناعادلانه اعتراض کنند...»
همچنین تاکنون ده ها تشکل و نهاد کارگری طی بیانیه مشترکی دستگیری محمود صالحی را محکوم کرده اند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او شده اند. بخشی از بیانیه و تشکل هایی که آن را مشترک صادر کرده اند عبارتند از:

«محاكمه و دستگیری محمود صالحی دهن كجی به طبقه كارگر و زیر پا گذاشتن بدیهی ترین حقوق میلیون ها كارگر در رابطه با برگزاری مراسم اول ماه مه است و ما كارگران در قبال آن سكوت نخواهیم كرد. ما برگزاری مراسم اول ماه مه را حق مسلم خود می دانیم و امسال با شكوه تر از همیشه به استقبال آن خواهیم رفت.

ما امضاء کنندگان این بیانیه با محكوم كردن محاكمه و بازداشت محمود صالحی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط وی هستیم و از عموم كارگران و تشکل های كارگری می خواهیم تا به طور یک پارچه ای نسبت به دستگیری محمود صالحی اعتراض کرده و با خواست آزادی فوری و بی قید و شرط وی، از حقوق انسانی خود به دفاع برخیزند.

همچنین ما امضاء کنندگان این بیانیه از همه سازمان های كارگری در سراسر دنیا می خواهیم تا در آستانه اول ماه مه از حقوق برسمیت شناخته شده بین المللی كارگران در برگزاری آزادانه مراسم اول ماه مه در ایران حمایت کرده و به طور یک پارچه ای خواهان آزادی محمود صالحی شوند.

هیئت موسس اتحادیه سراسری كارگران اخراجی و بی كار، انجمن صنفی كارگران برق و فلزكار كرمانشاه، كارگران نساجی شاهو، كارگران نساجی كردستان، جمعی از كارگران شركت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، جمعی از كارگران كارخانه پیریس، جمعی از كارگران اخراجی آلمین، جمعی از كارگران پتروشیمی كرمانشاه، جمعی از كارگران عسلویه، كارگران گرداننده سایت شورا. 1385/1/21»
شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری نیز در بیانیه شماره یک خود چنین نوشته اند:
«اول ماه مه روز جهانی كارگر را هرچه با شكوه تر برگزار كنیم.

برگزاری مراسم در روز اول ماه مه، روز جهانی كارگر حق مسلم طبقه كارگر است. ما نیز مراسم این روز را هرچه با شكوه تر برگزار خواهیم كرد. از همه كارگران می خواهیم که در این مراسم شركت کنند، تا فریاد اعتراض مان علیه تهاجم سرمایه به شرایط كار و زندگی كارگران را از قبیل پرداخت به غایت نازل دستمزدها و عدم پرداخت حقوق و دستمزدهای معوقه كارگران، قراردادهای موقت كار، بی كارسازی و اخراج كارگران، گرانی و تورم لجام گسیخته به گوش همه مردم آزادی خواه و عدالت طلب ایران و جهان برسانیم.

شورای همکاری تشکل ها و فعالین كارگری عبارتند از: کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل كارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد كارگری، اتحاد کمیته های كارگری، انجمن فرهنگی حمایتی كارگران، جمعی از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب دانشگاه های ایران، جمعی از فعالین كارگری، گروهی از نویسندگان جنبش كارگری، 1386/1/9 shorayehamkari@gmail.com»

یا این که تعدادی از فعالین كارگری با راه انداختن وبلاگی به نام «محمود صالحی آزاد باید گردد»، از جمله نوشته اند:

«كارگران و مردم آزادی خواه؛ ما جمعی از كارگران و فعالین كارگری ضمن محكوم كردن دستگیری محمود صالحی فعال كارگری و یکی از رهبران جنبش كارگری ایران خواستار آزادی بی قید و شرط وی بوده و به همین مناسبت ایجاد کمیته ای به نام کمیته دفاع از محمود صالحی را در دستور كار خود قرار داده که از امروز مورخه بیست و هفتم فروردین هشتاد و شش فعالیت علنی خود را از طریق این وبلاگ آغاز می کند و از کلیه كارگران و فعالین كارگری و دانش جویان، معلمان، پرستاران، نویسندگان، شاعران، روزنامه نگاران و کلیه انسان های عدالت خواه و برابری طلب می خواهیم که با اعتراض و تجمعات خواهان آزادی محمود صالحی و الغای کلیه احکام صادره برای فعالین كارگری و دیگر فعالین در بند باشیم.

اعضای کمیته دفاع از محمود صالحی عبارتند از: 1- نه به ز نصراللهی 2- بهزاد سهرابی 3- برهان سعیدی 4- مجید حمیدی 5- حسن زارعی 5- شیث امانی 6- شجاع ابراهیمی 7- عبدالله خیرآبادی 8- سارا گله داری 9- جلال شریعتی 10- فرهاد زند کریمی 11- افشین فرهادی 12- حسین قادری 13- امید زارعی 14- بهزاد گویلی 15- اسد کریمی 16- خالد سواری 17- اسماعیل کاظمی 18- ابراهیم وکیلی 19- شمس الدین مرادی 20- محمد نعمتی 21- فردین نگهدار 22- آمانج خالصی 23- هومن سیفی 24- صدیق کریمی 25- نجیبه صالح زاده 26- وفا قادری 27- منصور محمدی 28- شریف ساعد پناه 29- سهیلا گله داری 30- عمر مینایی 31- حسن مفاخری 32- حسن وزیری 33- محمد عبدی پور 34- جمال احمدی 35- کیومرث اویسی 36- عثمان رحمانی 37- یاسین رحمانی 38- هادی تنومند 39- فارس گویلان 40- ادريس خداکرمیان 41-

رامین کریمی 42- صلاح زمانی: <http://kdmahmodsalehi.blogfa.com>

بدین ترتیب، ابتکارات جالبی در کمپین آزادی محمود صالحی و مراسم مستقل اول ماه مه، به خرج داده می شود، نشان دهنده یک جنبش اجتماعی واقعی است. نمونه های بالا، تنها گوشه هایی از یک حرکت وسیع اعتراضی در داخل کشور است. در خارج کشور نیز همه نیروهای مدافع جنبش کارگری و سوسیالیستی،

کمپین گسترده ای را در کشورهای غرب با هدف محکوم کردن جنایات حکومت اسلامی ایران، آزادی فوری محمود صالحی و آزادی برگزاری مراسم غیردولتی اول ماه مه و جلب حمایت و پشتیبانی کارگران و مردم آزادی خواه جهان از جنبش کارگری ایران راه انداخته اند.

شکی نیست که در جامعه ایران و خارج کشور، پتانسیل بالای مبارزاتی علیه هرگونه سرکوب و ستم و استثمار جمهوری اسلامی و به ویژه اعتراض به این احکام غیرانسانی بی دادگاه های تفتیش عقاید حکومت اسلامی، در کلیه تشکلهای کارگری، زنان، جوانان و دانش جویان، نویسندگان و روزنامه نگاران پیشرو و آزادی خواه وجود دارد و تاکنون نیز در جهت آزادی محمود صالحی و معلمان و زنان و دانش جویان در بند صدها اطلاعیه صادر و ده ها مصاحبه رادیویی و جلسات پاکتکی برگزار شده است و مقالات زیادی نیز در حمایت و پشتیبانی از دستگیرشدگان اول ماه مه سقز و لغو احکام غیرانسانی آن ها منتشر شده است.

بدون شک، اعتراضات گسترش خواهد یافت و مهمتر از همه این امید و چشم انداز وجود دارد که تشکل های مستقل جنبش کارگری ایران، اقدامات مشخص تری را سازمان دهی کنند و نیروهای آزادی خواه و سوسیالیست خارج کشور نیز هم زمان با این اعتراضات حرکت های موثری را در کشورهای اسکانداوی، اروپایی، آمریکای شمالی و استرالیا، به طور مشترک با تشکل های کارگری و سازمان های سوسیالیستی این جوامع در مقابل سفارتخانه ها و دیگر مراکز جمهوری اسلامی، مقابل فدراسیون های کارگری، میادین شهرها و به ویژه تدارک آکسیون بزرگی در مقابل سازمان جهانی کار (آی.ال.او) سازمان دهی و برگزار کنند برای گسترش کمپین آزادی محمود صالحی و مراسم اول ماه مه در ایران، باید در دو عرصه معین، یعنی از یک سو تبلیغات سیاسی وسیع با به کارگیری از کلیه امکانات موجود در جهت افشای احکام غیرانسانی جمهوری اسلامی و افکارسازی پیرامون آن و از سوی دیگر با تشکل های کارگری و جریان های سوسیالیستی غرب، در ارتباط تنگاتنگ و پیگیر بود.

خواست اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از «آی.ال.او» را باید با تشکل های کارگری رادیکال عضو فدراسیون های کارگری در میان گذاشت تا در کنفرانس های سراسر کشور خود مطرح و از این طریق به کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار ببرند.

همچنین از سازمان های چپ و سوسیالیست پارلمان های کشورهای غرب خواست که پیشنهاد محکومیت جمهوری اسلامی را به پارلمان هایشان ببرند و از این طریق آن را در کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا مطرح سازند تا جمهوری اسلامی را محکوم و وادار به عقب نشینی نمایند. با نهادهای بین المللی مانند امنستی، روزنامه نگاران بدون مرز، وکلای بدون مرز و دیگر نهادهایی که برای آزادی زندانیان سیاسی، لغو شکنجه و اعدام فعالیت می کنند، در این مورد وارد بحث و گفتگو شد. همچنین از اتحادیه های کارگری و یا از ونلای بدون مرز، خواسته شود تا وکلای آن ها به طور سمبلیک هم شده وکالت محمود صالحی را به عهده بگیرند. اگر حکومت اسلامی به این وکلا ویرای سفر به ایران صادر نکند که به احتمال زیاد نخواهد کرد، امر آزادی محمود صالحی و نقض قوانین کار توسط حکومت اسلامی را در مجامع بین المللی کارگری به ویژه سازمان بین المللی کار پیگیری کنند.

بدین ترتیب، نه تنها باید يك کمپین گسترده تبلیغی علیه حکومت جمهوری اسلامی برای آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی و لغو احکام ضدانسانی و ضدکارگری راه انداخت، بلکه اساسا باید جمهوری اسلامی را به هزار و يك دلیل سیاسی، اجتماعی و حقوقی مانند اعمال سیاست ها و قوانین ضدکارگری، مخالفت با برگزاری مراسم های مستقل روز جهانی کارگر، محروم کردن طبقه کارگر از آزادی تشکل مستقل، تجمع، اعتصاب و بیان، عدم پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران، کشتار کارگران اعتصابی خاتون آباد، استثمار وحشیانه نیروی کار، کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی، ترور و قتل نویسندگان و مخالفین، سرکوب سیستماتیک زنان، به بهره کشی وادار کردن کودکان و نوجوانان، سرکوب دانش جویان، دستگیری معلمان معترض، آفریدن فضای رعب و وحشت و ترور در جامعه، اعمال وحشیانه ترین شکنجه ای روحی و روانی بر زندانیان سیاسی و اعدام، و به دلیل این که بخش عظیم جامعه ایران را در معرض فقر و فلاکت اقتصادی و انواع و اقسام آسیب ها و بحران های اجتماعی قرار داده است را از قدرت برکنار کرد تا حکومت در اختیار طبقه ای که اکثریت جامعه را نمایندگی می کند و همواره چرخ تولید نیازهای اجتماعی را می چرخاند، یعنی طبقه کارگر متشکل و متحد و آگاه قرار گیرد.

از سوی دیگر نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی ایران، در روزهای اخیر ده ها فعال حرکت های اعتراضی معلمان، دانشجویان، زنان و کارگران را دستگیر کرده است.

در شرایطی که فقر و فلاکت و اختناق سیاسی از یک سو و ترس از حمله نظامی آمریکا و متحدانش و زندگی را بر اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران تلخ و دشوار ساخته است، حکومت اسلامی ایران، از ترس و وحشتی که از گسترش جنبش های اجتماعی برابری طلب و در پیشاپیش همه طبقه کارگر متحد و متشکل و آگاه قرار گیرد، سرکوب وحشیانه فعالین و دست اندرکاران این جنبش ها را تشدید کرده است.

بنا به گزارش های منتشر شده، ساعت 5 بعد از ظهر روز شنبه 25 فروردین تعدادی از کارگران سندیکای خبازان سقز در اعتراض به دستگیری محمود صالحی در محل این سندیکا تجمع نموده در مورد چگونگی برخورد به این حکم ظالمانه به تبادل نظر می پردازند.

کارگران تصمیم می گیرند که در اعتراض به این حکم ساعت 5 تا 5:30 دقیقه بعد از ظهر روز دوشنبه در مقابل دفتر شرکت تعاونی این شهر که محمود صالحی مسئول آن است به نشانه همبستگی با ایشان و اعتراض به حکم بازداشتش تجمع کرده، سکوت اختیار نمایند.

روز یکشنبه مسئولین اطلاعات جمهوری اسلامی از این تصمیم و برگزاری تجمع در روز دوشنبه مطلع می شوند. مسئولین اطلاعات به محمد عبیدی پور، از فعالین کارگری و از همراهان محمود صالحی که در اول ماه مه 83 دستگیر شده بود زنگ زده و از او درخواست خودداری از شرکت در تجمع یاد شده را می نمایند. عبیدی پور، در مقابل سؤال آن ها که آیا در این تجمع شرکت خواهد کرد جواب می دهد: "بله به این تجمع می روم"، مسئولین اطلاعات تهدید می کنند که حتما بازداشت می شوید.

روز دوشنبه 27 فروردین جلال حسینی، یکی دیگر از فعالین شناخته شده کارگری به دادستانی فراخوانده می شود. از او سؤال می شود آیا در تجمع امروز بعد از ظهر شرکت می کنید، با توجه به این که حکم تعلیقی دارید؟ ایشان در جواب می گوید در محل کار خود حاضر می شوم اما در تجمع شرکت نمی کنم. مسئولین دادستانی از جلال درخواست می کنند که بعد از بازگشت خود به محل کارش محمد عبیدی پور را به نزد آن ها بفرستد او در جواب می گوید که عبیدی پور سر کار است و تا ساعت 4 نمی تواند دست از کار بکشد.

بنا به درخواست دادستانی سقز محمد عبیدی پور، ساعت 4 به آن جا می رود. در دادستانی از ایشان سؤال می کنند آیا در تجمع ساعت 5 امروز شرکت می کنید؟ عبیدی پور جواب می دهد بله شرکت می کنم. دادستان در همان جا حکم بازداشت نامبرده را صادر می کند و می گوید شما تا پایان تجمع بازداشت هستید. ساعت 5 بعد از ظهر ده ها تن از کارگران در اعلام همبستگی با محمود صالحی و در مخالفت با حکم زندانی کردن ایشان در جلو شرکت تعاونی تجمع می کنند. لحظاتی قبل از ساعت 5 تعداد زیادی نیروهای رژیم در چهار راه، جلو گاراژ، میدان شهدا و محل تجمع کارگران مستقر می شوند که در میان آن ها چهار خواهر زینب با دستبند نیز حضور داشتند که به منظور دستگیری زنان در این تجمع از آنها استفاده می شد.

یکی از فرماندهان نیروهای انتظامی و اطلاعاتی به میان کارگران رفته و از کارگران سؤال می کند نماینده شما کیست؟ فردی به اسم سروان بابایی می گوید: محمود در زندان است، جلال در محل کارش می باشد و اجازه بیرون آمدن ندارد، محمد عبیدی پور نیز نزد دادستانی در بازداشت است و این عده نماینده ندارند. در این لحظه سامرند صالحی، فرزند محمود صالحی اعتراض می کند سرهنگ مذکور بلافاصله دستور بازداشت ایشان را صادر می کند. بعد از دستگیری سامرند صالحی ماموران جمهوری اسلامی به تجمع کارگران یورش برده و بیش از 20 نفر از آن ها را بازداشت می کنند.

شایان ذکر است که یکی از مزدوران محلی به اسم "علا کرمی" وارد محل کار جلال حسینی شده و می گوید که قصد کشتن شما را دارم و به ضرب و شتم جلال میپردازد به طوری که فک جلال دچار صدمه جدی شده و در وضعیت جسمی بدی به سر می برد.

همچنین روز یکشنبه 26 فروردین ماه ماموران اطلاعات و نیروی انتظامی حکومت اسلامی در شهر سنندج، ضمن یورش به محله "غفور" اقدام به بازرسی منازل مردم نموده اند.

در جریان یورش نیروهای حکومت اسلامی به محله غفور، که دلیل آن تاکنون مشخص نشده است، ماموران برخی از اموال مردم را تخریب و برخی دیگر را به غارت برده و شماری از ساکنین این محله را نیز بازداشت و به مکان های نامعلومی منتقل کرده اند.

بدین ترتیب، حق طبیعی کارگران است که با اتکاء به روابط و مناسبات شورایی حکومت خود را تشکیل دهند و از این طریق بلافاصله به همه بی حقوقی ها و سیاست های غیرانسانی و فاشیستی و وحشیانه ای خاتمه دهند و مهمتر از همه در جهت لغو مالکیت خصوصی، کار مزدی و برقراری جامعه اشتراکی کمونیستی، گامهای سریع بردارند تا کل جامعه بشری را از هرگونه تبعیض، ستم و استثمار رها سازند. جهانی برابر و انسانی برپا دارند که در آن هر کس به اندازه نیازش سهم ببرد.

سامرند صالحی، فرزند محمود صالحی، با انتشار نامه ای در تاریخ 20-1-1386، از جمله نوشته است: «... دوستان هدف جمهوری اسلامی از اجرای حکم به این شکل تنها زندانی کردن پدرم نیست بلکه چیزی که در این میان آشکار است ترس مسئولان از برگزاری مستقل روز جهانی کارگر امسال در سقز است.

... با این اوصاف من از همه شما کارگران، مردم آزادی خواه جهان، نهادهای مدافع حقوق بشر، وکلای بدون مرز، حقوق دانان و انسان های آزادی خواه می خواهم که به حکم محکومیت پدرم و اجرای حکم اعتراض و پدرم را که جرمی جز دفاع از خود و دیگر هم طبقه ای هایش ندارد مورد حمایت قرار دهید. ما هم می خواهیم از یک زندگی شایسته انسان امروز بر خور دار باشیم!»

مبارزه برای آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی، با قدرت اجتماعی کارگران و مردم آزادی خواه و همچنین مراسم غیردولتی و آزادانه اول ماه، روز جهانی کارگران، هر چه گسترده تر و با شکوه تر برگزار گردد، جواب شایسته توده های میلیونی خواهان تغییر نظم موجود و عدالت خواه و آزادی خواه و برابری طلب

به سران ستم گر و استثمارگر حکومت اسلامی ایران است. پیشاپیش فرارسیدن روز جهانی کارگر را به همه کارگران و همه مردم برابری طلب تبریک می گوئیم.

برگرفته از جهان امروز شماره 188